هوالعليم

گسترش علوم و معارف اسلامی در عصر امام محمد باقر علیه السلام

برگرفته از آثار:
حضرت علاّمه آیت‌الله حاج سیّد محمدحسین حسینی طهرانی

بسم اللَه الرحمن الرحيم

آية اللَه حاج شيخ محمّد حسين مظفّر- أعلى اللَه درجته السَّامية- در كتاب «تاريخ الشّيعة» گويد: شيعه در زمان حضرت امام محمد باقر عليه السّلام[1] از ناحيه بنى اميّه در تنگى و ضيق شديد نبود به مثابه ضيق و تنگنائى كه پيش از عصر آن حضرت در آن بوده‌اند. در زمان حضرت كاروانها به سوى وى براى سيراب شدن و به نهايت مكيدن از آبشخورهاى دانش و معارف او از نقاط بعيده به راه مى‌افتادند. در عصر وى روايت و راويان از او بسيار گرديدند، و روايت و حديث از او به مقدار معتنابهى از آباء گرامى سابقش فزونى گرفت.

حديث باقرى در هر قطرى از اقطار منتشر گشت، تا به جائى كه جابر جُعْفى كه از موثّقين راويان و أعاظم ناقلين أحاديث مى‌باشد، تنها از او هفتاد هزار حديث نقل نموده است. جابر از حاملين علوم اهل البيت بوده است.وَ عِلْمُهُمْ صَعْبٌ مُسْتَصْعَبٌ لَا يحْتَمِلُهُ إِلَّا نَبِىٌّ أَوْ مَلَك مُقَرَّبٌ أَوْ مُؤمِنٌ امْتَحَنَ اللَه قَلْبَهُ لِلإِيمَان[2] همان طور كه در نصّ حديث وارد شده است.

در حديثى كه از جابر روايت است وى گويد: عِنْدِى خَمْسُونَ أَلْفَ حَدِيثٍ، مَا حَدَّثْتُ مِنْهَا شَيْئاً. كلُّهَا عَنِ النَّبِىِّ صلى اللَه عليه و آله مِنْ طَرِيقِ أَهْلِ الْبَيْتِ.

«نزد من پنجاه هزار حديث موجود مى‌باشد كه من يكى از آنها را هم بيان ننموده‌ام. همه آن احاديث از پيغمبر اكرم صل اللَه عليه و آله و سلّم است از طريق اهل بيت.»

تنها محمد بن مسلِم از حضرت امام باقر بخصوص سى هزار حديث روايت كرده است.

بَه بَه! شما چه بزرگمردانى هستيد! چقدر ظروف علم شما صلاحيّت دارد تا آن مقادير عظيمه از علوم اهل البَيْت را در برگيرد! آن هم آن علوم صَعْب و مُستصعب را! آرى اين امرِ بديعى نيست، چرا

---

[1] آن حضرت سلام اللَه عليه در مدينه منوّره سنه ٥٧ از هجرت تولد يافت، و در واقعه كربلا چهار ساله بود، و به دست هشام بن عبد الملک با تصدّى عامل خود در مدينه در هفتم از شهر ذى الحجة الحرام سنه ١١٤ و يا ١١٧ با القاء سمّ شهيد گرديد و در قبرستان بقيع با عمويش و پدرش مدفون شد

[2] اين احاديث بسيار است و با تعبيرات مختلفى وارد است و به حدّ استفاضه مى‌رسد آنها را مجلسى- رضوان اللَه عليه- در ج ١، از «بحار» طبع كمپانى از ص ١١٧ تا ص ١٢٦ تحت عنوان «باب إنَّ حديثهم: صعبٌ مستصعبٌ و انّ كلامهم ذو وجوه كثيره و فضل التّدبّر فى أخبارهم و التّسليم لهم و النّهى عن ردّ أخبارهم» آورده است. صَعْب به حيوان سركش و شموس گويند كه كسى نمى‌تواند بر آن سوار گردد در مقابل ذلول كه مراد از آن حيوان رام است. و مُسْتَصْعب حيوانى را گويند كه چون آن را ببينند از آن فرار كنند از شدّت حدّت و بيم گزند آن. و معنى حديث اين طور مى‌شود: به درستى كه حديث ما سخت و مشكل و غير قابل دسترس و نيز سخت و مشكل شمرده شده و غير قابل دسترسى انگاشته شده مى‌باشد به طورى كه هيچ كس نمى‌تواند آن را متحمّل گردد و بردارد مگر آنكه فرشته مقرّبى باشد و يا پيامبر مرسلى و يا بنده مؤمنى كه خداوند قلب او را به تحمّل ايمان آزمايش نموده باشد. ما در دوره علوم و معارف اسلام در قسمت ٢ «امام شناسى» در ج ٥ از مطبوع ص ١٠٩ تا ص ١١١ در متن بعضى از اين اخبار را ذكر نموديم و در تعليقه نيز توضيح بيشترى داده شده است

که: **النَّاسُ مَعَادِن**[1]

در عصر حضرتش علمائی از رجال حدیث به ظهور رسیدند که یگانه تکیه گاه شیعه بر احادیث آنان نه تنها در آن زمان، بلکه در اعصار آتیه بوده‌اند. آنان در محضر حضرت امام جعفر صادق علیه السّلام مقام والاتری را حائز بوده‌اند. حضرت بر ایشان نظر عطوفت و مرحمت می‌فرمود، و با احترام و ملایمت و مرافقت سلوک می‌فرمود. و درباره آنها از حضرت مدائح جلیله‌ای صادر گردیده است، أمثال جابر، و محمد بن مسلم، و زُرارَه، و حُمْران دو پسران أعْین، و ابن أبی یعْفُور، و بُرَیْدِ عِجْلی، و سُدَیْر صَیْرَفی، و أعْمَش، و أبو بَصیر، و مَعْروف بن خَرَّبوذ و بسیاری دگر از غیر ایشان، همان طور که شعرای پهلوان و عالی مرتبتی ظهور نمودند أمثال کمَیت که آثار خالده ایشان تا امروز زینت بخش صفحات تاریخ می‌باشد.

[1] این حدیث را با عبارت: النّاس معادنُ کمعادن الذّهب و الفضّة، خیارهم فی الجاهلیّة خیارهم فی الاسلام از رسول اکرم مرسلًا در «جامع السعادات» طبع نجف اشرف ج ۱ ص ۲٤ آورده است